



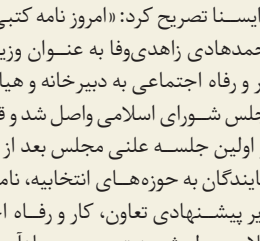
اعلام زمان بازگشت وزیر راه

پس از آنکه گمانه‌زنی‌ها بر سر موضوع بازداشت مشاور ویژه رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی در کنار نبود او در وزارتخانه منجر به اطلاع‌رسانی درباره بستری بودن او در بیمارستان شد؛ روز گذشته علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت در نشست خبری هفتگی خود در واکنش به سوالات درباره زمان بازگشت رستم قاسمی به وزارت راه‌وشهرسازی گفت: «وزیر راه به دلیل ضربه‌ای که در جریان حادثه‌ای در منزل به کمر وی وارد شده بود، بستری شد و تزریقی هم به ستون فقرات داشت که اکنون بهبود نسبی حاصل شده است و رستم قاسمی از شبیه در وزارتخانه حضور دارد. هر چند در عیادت از وی، پیگیر مسائل کاری بودند.»



معرفی وزیر پیشنهادی کار

قریب به سه ماه از استعفاى وزیر کار می‌گذرد. روز گذشته سیدظام‌الدین موسوی، سخنگوی هیات‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی از تحویل نامه معرفی وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس خبر داد. او در گفت‌وگو با ایسنا تصریح کرد: «امروز نامه کنیی معرفی محمدحادی زاهدی‌وفا به عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به دبیر خانه و هیات‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی واصل شد و قرار است در اولین جلسه علنی مجلس بعد از سرکشی نمایندگان به حوزه‌های انتخابیه، نامه معرفی من خیلی عددی نیست کم که جای خودم را تعیین کنم. چه وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفقا اجتماعی اعلام وصول شود.» موسوی یادآور شد که طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، جلسه بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی که هفته بعد از اعلام وصول تشکیل می‌شود.



۸ نخستین پرسش‌م این است که در این جغرافیای سیاسی و فکری ایران کنونی، آقای آقا کتکر کاشی کجاست؟ خودش اکتجای این جغرافیا تعریف می‌کند؟ من خیلی عددی نیستم کم که جای خودم را تعیین کنم. چه بگویم؟ من جایگاه خاصی ندارم من همیشه گفته‌ام: من یک جایی هستم بین دانشگاه و روزنامه‌سپن بنابرین خیلی جای مشخصی ندارم. خودتان چه فکر می‌کنید؟

۹ بینبندیا مربوط‌به نقش‌نیمت؛ بالاخره شهروندی

یک جایی دارد. شما در این جغرافیای سیاسی خودتان را به کدام نیرو نزدیکتر یا دورتر می‌بینید؟ در جغرافیای فکری کجا ایستاده‌اید؟

جایی بین جریان ملی، مذهبی و جریان اصلاحات فکر و عمل

سیاست

POLITICS

گفت‌وگوی احمد زیدآبادی با محمدجواد غلامرضا کاشی

نگاهی از نوبه شریعتی کنیم

مباحثه نوبت اول

کرده‌ام و تا به حال اینگونه حرف زده‌ام. نفعدهایی به هر دوتای این جریان‌ات دارم، ولی باز هم همچنان فکر می‌کنم میان این دو جا دارم.
۴ این را از این جهت سوال کردم که منوجه شدم شما در پروژه توشریعتی فعال هستید و انگاز از این پروژه حمایت می‌کنید. تعلق خاطر خاصی به این دیدگاه دارید؟

تعلق خاطر دارم، که به خاطر اینکه ما (نسلا مسا) حالا ما سب‌مان از شما بیشتر است و سه چهار سال تفاوت سنی هم واقعا خیلی مهم است(هممان یک جورهایی از فکر شریعتی برآمده‌ام)؛ من نتوانی‌ام را با شریعتی طی کردم و همیشه درگیر شریعتی بودم. خیلی وقت‌ها در موضع انتقادی نسبت به شریعتی قرار گرفتم. خیلی وقت‌ها کنار پروژه قرار گرفتم. من به صورت شش‌ساعته قبل از تولد نوزاد تعبیر کرده‌اند. من به در آن مشارکت دارم. بررسی می‌کنم کجا‌ها هرچه تلاش می‌کنیم و دست‌یا می‌زنیم پیش نمی‌رویم و کجا‌ها کم‌ی و کجا‌ها کم‌ی می‌توانیم پیش برویم و اصلا اگر بخواهیم در قاب فکری شریعتی بازاندیشی کنیم، محدودیت‌ها و امکان‌هایش کجاست. به هر حال ذهن من به عنوان کسی که نسبتی با پروژه توشریعتی دارم، بر از دولت است.

۵ به لحاظ عاطفی همه ما درگیر شریعتی هستیم. حالا من که شاید بیش از شما، چون در یک محیط دیگر بودم و اگر شریعتی نبود، اصلا معلوم نبود وضعم چه می‌شد. به هر حال سرا در آن محیطه فولانت در مسیر دیگری نداشت. انگردگاری شریعتی و اینکه ما مدیون آن هستیم، به جای خود؛ اما از زمان درگذشت او تا حالا ۲۵ سال گذشته و از آن زمان خیلی مسائل مشکسوف و روشن شده است. می‌خواهم ببینم که اصولا در آثار شریعتی چه مولفه‌هایی از نظر شما وجود دارد که به کار امروز بیاید تا درصد احیای آن باشیم؟ تصور می‌کنم آنجایی که شریعتی ایستاد و به امور بگریست،



کنند؟ مثلا شما آقای مطهری را هم می‌توانید ببینید. او هم اندیشه‌اش هیبریدی است، ولی واقعا یک زن غالب سنت در آن وجود دارد؛ یعنی متفکران دیگر (به‌خصوص متفکران بعد از انقلاب) زن غالب مدنر دارند. اما اینکه شما خیلی نتوانید این زن غالب را تشخیص دهید، گاهی ممکن است ناشی از اشنگفی یک فکر یا اینکه نه، ناشی از ابداع تازه باشد. این کاری است که به نظرم شریعتی کرد.

۶ حالا ابداع شریعتی نسبت به آنها چیست؟

شریعتی با منظومه فکری خودش در آن دوره نتوانست عالمی خلق کند. سوره‌هایی بسازد که در برتوافق شریعتی می‌توانستند زیست فردی واجتماعی کنند. احساس کنند تمایبی وجود دارد که به آنها معنا و هویت می‌دهد. مدعای من بیشتر ناظر به گنش و خلق ناشی از کار شریعتی است. مساله جذاب برای من بیشتر این است تا اینکه کدام تزه‌ای شریعتی تا‌رگی دارند.

۷ برای اینکه التقاط در ایران خوام ناشی‌نستم، می‌توانیم آن را یک نوع ترکیب مکانیکی تعریف کنیم و هیبریدی تلاش می‌کرد بین این دو پل‌هایی بزنند و همه انرژی و نیروی فکری‌اش را از طریق توفیقش در ساختن این پل‌ها خدا می‌کرد. من هنوز خیال می‌کنم باید همان جا ایستاد؛ آنچه شریعتی ندارد تجربه‌ی ۴۴ سال بعد از فوت و تجربه جمهوری اسلامی است. فکر می‌کنم با همان جا باید ایستاد و پل زد. برای این کار، گاهی باید خود پروژه شریعتی را هم نقد کرد. ولی آنجایی که ایستاد و در کار خود موفق شد، جای مهمی است.

۸ صرف این موضوع، بروزه‌ای برای احیا و بازسازی و نوسازی ایجاد می‌کند؟ خیلی‌ها را می‌توانیم بگویم در آنجا ایستادند؛ مرحوم‌بازرگان هم همان‌جا ایستاد بود، در خارج از کشور هم مرحوم اقبال همان‌جا ایستاده بود و حتی مرحوم نخشب، یمان، سامی و نهضتی‌ها هم تقریبا همان جا ایستاده بودند و آنها هم تلاش‌های مشابهی می‌کردند. در بین روحانیت هم آقای طالقانی و حتی مطهری هم به یک معنا سعی می‌کنند یک کاری کین بکنند. صرف اینکه آنجا ایستادند، خیلی ششخصه بزرگی نیست چون بقیه هم کم و بیش ایستادند. پس باید جنبه ویژه‌ای وجود داشته باشد که نسبت به بقیه ممتاز شود. اینکه آیا شریعتی مثلا مدرنیسم یا سنت را خیلی خوب می‌شناخت و آیا در آن پل‌زن اساسا موفقیتی کسب کرد. کدام یک از اینهاست که او را از مرحوم طالقانی یا بازرگان ممتاز می‌کند که نیاز به احیای دوباره داشته‌باشد؟

این یک سنت فکری است و من هم به همه این اشخاص علاقه دارم. ناگفتم شریعتی وضع منحصره‌فردی دارد. جنب اندیشه همه اینها یعنی اقبال، شریعتی، بازرگان و طالقانی... اندیشه‌های هیبریدی (یک کرد اندیشه‌های ترکیبی) است. گاهی کسانی به عنوان یک اتهام آن را التقاطی تعبیر کرده‌اند. اگر التقاط آن است که شریعتی کرد، جز التقاط کاری نمی‌شود انجام داد. ما کسی را نداریم که التقاطی نباشد. ولی وقتی می‌گویم اندیشه‌های هیبریدی، به این معناست که خود اندیشو‌سز تلاش می‌کند سنتز ی‌کند؛ اندیشه‌های هیبریدی را طیفی‌بندی می‌کنند براساس اینکه آیا زن غالب دارد یا نتوانسته سنتز تازه هم ایجاد

۹ چرا می‌اش ما را یک مقدار از هدف بحث دور می‌کند چون بالاخره همین‌ان که یک نظام سیاسی مستقر را طراحی کرده‌ایم. فرض کنید اصلا این را تعیین کنیم. اینکه این تبیین الان به چه کار امروز می‌آید. خیلی مهم است؛ یعنی شما بالاخره از پروژه‌ای دفاع می‌کنید که شریعتی را در بین متفکرین ازجمله متفکرین دینی، شاخص می‌کند. گفتید که این شاخص بودن مربوط به جایگاه او است، یعنی جایی که ایستاده و نگاه می‌کنند؛ اما دیدیم که دیگران هم در آن مشترک هستند. حالا بخواهیم یک امتیاز دیگری برای او قائل باشیم، بالاخره باید یک سلسله‌مولفه‌هایی به جز آن عبارتی که شما به کار بردید، مثل اینکه او یک دنیای مشترکی از یک زندگی معنادر ساخت که خیلی‌ها در آن زیست کردند؛ اما دنیای مشترک یقینی پیدا نکرد و اساسا نتیجه‌ای هم نداد؛ چون تقریبا همه‌ی انهایی که تحت‌تأثیر قرار گرفته بودند یا از متواری شدند یا به جهت معکوس اقتانند و در واقع بعضی قشر‌ها به کینه افتانند و در نهایت یک افراد معدودی که نمی‌خواستند ناشکری کنند، شریعتی را بزرگ می‌دارند. از حیث اینکه الان مشخصا در این قضاییه که ما داریم زندگی می‌کنیم، با توجه به صفه‌هایی که نمایان شده و نیازهایی که برای زندگی داریم... آن مولفه‌ای که در شریعتی می‌تواند تأثیرگذار بر زندگی ما باشد، چیست؟ یعنی شریعتی الان در سیاست خارجی چه راه‌حلی ارائه می‌کند؟ در اقتصاد چه راه‌حلی ارائه می‌کند؟ در نوع همبستگی اجتماعی ما چگونه از نوع نظم سیاسی که باید مستقر باشد چه؟ همه‌ی اینها...

شریعتی، انسان تکنوکرات و بروکرات نیست که الان بگویم مثلا در مورد سیاست خارجی باید از اندیشه شریعتی راه و روشی دربیاوریم. به نظر من یک مقدار بحث را باید به این سمت ببریم کم اصلا جوهر سیاست چیست؟ اگر منظور از سیاست این است که یکی بیاید الان سازمان حقوقی حکومت بر طراحی کند... شریعتی در این شمار نیست. یک بار این کار را کرد و خیلی اثر آن مثبت نبود. آن هم در رساله «امت و امامت»ش بود؛ ولی شریعتی اندام فکری‌اش آن نیست، بحث



قبل از تعیین جوانب دقیق آن به تحقیق‌اش باید نظر کنید. جهانی

محقق شد. ما ایرانیان اگر بخواهیم به مفهومی «ره‌زیمت» یا این واحد ملی بیندیشیم، نیاز به یک جهان مشترک داریم. اگر کسی نتواند نسبت به میدان تعارضات کور نباشد و در همان حال برای همگان یک جهان مشترک تعیین کند، در قلمر یا سیاسی موفق عمل کرده است. به نظرم شریعتی این کار را کرد.

۱۰ چه زیست محیطی را...

یعنی منظومه‌ای که در آن جز، فرهنگ‌ی اسلام هست و عناصر فرهنگی مدرنیته هم حضور دارد. می‌توانی ضمن اینکه از ارزش‌های آزادی و عدالت مدبرن دفاع می‌کنی. حس مسلمان بودن هم داشته باشی. این مساله امروز ما هم هست. مساله انسان ایرانی در دوران مدرن است. انسان ایرانی و مسلمان باشد؟ مدرنیته، مساله‌ای که بیگانه با اسلام نیست و اسلامی که بیگانه با مدرنیته نیست. شریعتی به هیچ وجه فیلسوف نیست که بگویند بحث کند. آیا فلسفه‌های دقایق مدرنیته و سنتت یا هم سازگار است. اگر سازگار نیست، به تبعیر مدرنیته و فلسفه‌های خن‌ت‌نم است. در میدان سیاست می‌تواند خلق ابداعی برای خود برده‌اند از یک جهان مشترک نمی‌توانند. این کار شریعتی کرد و بعد از این همان تجربه‌ی ما در انرژی کافی و لازم است. برای اینکه سازمان سیاسی‌تان را بر آن بنا کنید؛ می‌توانید نیروی ناشی از این جهان مشترک نمی‌توانید آنچه می‌خواهید را بنا کنید. اگر مساله سازمان حقوقی جامعه‌هم، خوب شریعتی را می‌گوییم. اگر امروز بود همان چیزهایی را می‌گفت که من و شما امروز می‌گوییم. نمایندگان، دموکراسی، انتخابات آزاد و امثالهم. این جور امتیازات که در تعارضاتش با نوانیده‌ها در حیات سیاسی است که براساس یک جهان مشترک مقتضی گزرت‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. شما اگر این را داشته باشید، بعد می‌توانید در باره فرم مطلوب‌تان صحبت کنید.

۱۱ همه آنچه شما در یک عبارات بزرگ فرمودید، بار دیگر تقلیل پیدا می‌کند که او دوست داشت پلی بین مدرنیته و اسلام باشد مثلا...

...که دلالت‌روشن سیاسی داشته باشد.

۱۲ دلالت روشن سیاسی‌اش چیست؟ همین است. ببینید؛ ما دوباره باید به بحث اول‌مان برگردیم؛ شما می‌گویید جهانی را خلق کرد که در این جهان تعداد بی‌شماری از افراد نتوانستند ذیل آن، دنیای مشترکی بسازند. این اتفاق نیفتاده است؛ یعنی به لحاظ عملی یکی‌دو سال بعد از فوت شریعتی، اساسا این اتفاق نیفتاد. یعنی درواقع شریعتی در زمانی که حرف می‌زد، صحبت می‌کرد و اثر می‌نوشت؛ به نوبه مردم که اساسا مدرنیته و نه‌اندشت. بنابرین در بین قشری از مبارزین، یک سلسله مفاهیم را منتقل کرد که آن هم جای خودش نشست؛ یعنی چیزهای دیگر و البته بستگی به آن هم دارد که شما می‌نظیر افلاطون نگاه کنید. از منظر ارسطو نگاه کنید، از منظر مسیحیت یا مارکس یا هابز نگاه کنید. اینها هر کدام جایی نشستند و سیاست متناسب با جایگاهشان یعنی تزیمت می‌شود. حالا در آنچه ما نیازهای امروز جامعه ایرانی حاضر برای سیاست خارجه کشور فرقی یافته‌اند، چیست؟ اگر هست، چیست؟

فکر می‌کنم بهتر است برویم سراغ همان موضوع چون من فکر نمی‌کنم سیاست خارجی ایران متنزغ از سیاست داخلی ایران باشد. یک کلیت است. معلوم است که سیاست خارجی ایران را به شکل موجودش نباید نمی‌کنم. اما به این شکل وارد گفت‌وگو انتقادی‌شان آن هم نمی‌شود که این سیاست خارجی را کنار بگذاریم و برویم با دنیا سازش بکنیم و برویم اسرائیل را در رسمیت بشناسیم... حالا شاید اصلا در موقعیتی نیانم که اینها را بگویم... ادامه دارد ...

چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۱
سال یکم - شماره ۴۷
www.hamnahonline.ir

www.hamnahonline.ir

۴ حالا شما می‌گویید که شریعتی درصد بوده آن دنیا را بسازد؛ که حالا این محل مناقشه است. چون همان‌طور که گفتیم واقعیت این است که شریعتی از یک سوره‌های خاصی از مدرنیسم آشنا است. یعنی با بحث مدرنیسم به معنای آن ارباب‌شنن عقل و نواضی که در ذات این هست، خیلی آشنا نیست چون البته آن دوره شاید خیلی‌ها آشنا نبودند. شریعتی اتفاقا اومانیسم که محصول دوران روشنگری است را تا سرحد خودش سناتش می‌کرد. از سوئی دیگر؛ گزاره‌های دینی، همه‌اش را می‌خواهد با یک وجه خاصی از مدرنیسم که صیغه چسپ دارد تطبیق دهد. نیازت‌ها به نظر من دنیایی نمی‌آفریند. تلاش می‌کند که زانوسی ستیز و سازش دارند. هر متفکری که نسبت به جنبه‌های ستیز کور باشد، هیرونی سخن می‌گوید. آن کسی که نسبتا به جنبه سازش ماجرا کور باشد، به یک آن‌ریسیت تمام‌عیار تبدیل می‌شود. مهم این است که آیا یک متفکر می‌تواند در میدان ستیزی که زندگی می‌کند، ضمن توجه به ستیزها، یک جهان مشترک هم خلق کند. جهان مشترک‌ش عاری از میدان ستیز نیست و میدان ستیزش هم عاری از جهان مشترک نیست. من خودم بمکن. جنبه‌های تعارضی امیز داخلی و خارجی به منظومه فکری شریعتی وجود دارد و در عین حال یک جهان مشترک می‌سازد. بنابرین آن‌نامه که می‌گویم می‌سازد، عین امر سیاسی است.

۵ دقیقا آن عالم چیست؟

آشتی‌ای برقرار کند که شما بتوانید این واحد سیاسی را حفظ کنید چون با ستیز که حفظ نمی‌شود و نیازت‌ها با یک توافق حفظ می‌شود. می‌خواهم بگویم چرا ما باید همان‌ها را محدود به شریعتی کنیم و در آثار او دنبال پاسخ بگردیم؟ مگر ما خودمان توان این‌دیشین نداریم؟ این به نظر شما ایراد نیست؟

در این روایت شما هم یک بحرانی وجود دارد. الان اتفاقا در این ۴۰+۲۰۰ سال اخیر آدم‌های اهل فکر ما نه فقط همه‌ی پیشینیان خودشان را انکار کردند و گفتند من هستم که انکار تاریخ از من آغاز می‌شود، بلکه در طول عمرشان چند بار انقلاب کردند. یعنی مثلا می‌گویند من دیگر شخصیت پارسل خودم را قبول ندارم و یکی دیگر شده‌ام. دقت کنید. هر سوی افراطی ماجرا مشکل وجود دارد. قابل قبول نیست اگر کسی جرات هیچ سخن گفتنی که خود ندهد، جز اینکه زیر چادر یک متفکر و یک سنت باسیستد فقط حرف‌های او‌انکار کند که من نمی‌دانم. شما من را اینطور دیده‌اید؟! آدم‌های کوله‌های که جرات ندارند خود بیندیشند یا آدم‌هایی که حتی علیه خودشان هر چند سال یک‌بار انقلاب می‌کنند، هر دو مشکل دارند. یک میانه و وسطی هم وجود دارد. آن سوال چیست؟ فکر می‌کنم آن چیزی که من خدمت شما گفتم اتفاقا وسط بود. گفتیم من قبل از اینکه به امروزه‌های شریعتی فکر کنیم، به جایی که شریعتی ایستاد و عمل می‌کند فکر می‌کنم. و آن هم این است که او می‌اندیشد به اینکه در میدان تعارضات‌ها چگونه می‌تواند یک قلمرو و جهان مشترک خلق کند. شما به من می‌گویید که آن جهان مشترک‌ش ملوم نبارد. من می‌گویم هیچ جهان مشترکی دوام نمی‌آورد. اما من تلاش می‌کنم همان جا بنشینم و هنوز فکر می‌کنم مساله‌ی امروز جامعه ایران، جهان مشترکی است که در تعارضاتش با نوانیده‌ها در حیات در این کاری که به لحاظ جایگاه ششیه شریعتی است، گاهی از میراث شریعتی بهره می‌برم و گاهی میراث شریعتی را نقد می‌کنم و کنار می‌گذارم و می‌آیم از مورثت دیگر دوران خودم بهره می‌برم؛ همان کاری که شریعتی در دوران خودش می‌کند. در دوران شریعتی تجربه ۴۰ سال جمهوری اسلامی و تجربه فرویشی اتحاد شوروی و هزار تحول دیگر دوران خودم مثل کسی است که قبل از من کاری کرده و من به عنوان کسی که بعد از او همان مساله را نیاز دوران خودم می‌بینم اما با یک ترکیب تازه، اصلا نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم.

۶ اینجا چند تا نکته هست: (۱) دنیاهای مشترک بعد از سال‌ها و بعد از تجربه‌ها و تحقق عینی‌شان معمولا دچار زوال می‌شوند اما دنیای شریعتی قابل قیاس با آنها نیست و اساسا تحقق عینی پیدا نکرد و به طر لوقه‌العینی دچار بحران شد. اما بحث ما جنبه‌های عینی آن است. شما به عنوان کسی که به هر حال می‌دانید که سیاست، علم دولت تعریف شده، علم قدرت تعریف شده، تلاش برای نظم اجتماعی، تلاش برای تدبیر منزل و اجتماع و خیلی چیزهای دیگر و البته بستگی به آن هم دارد که شما می‌نظیر افلاطون نگاه کنید. از منظر ارسطو نگاه کنید، از منظر مسیحیت یا مارکس یا هابز نگاه کنید. اینها هر کدام جایی نشستند و سیاست متناسب با جایگاهشان یعنی تزیمت می‌شود. حالا در آنچه ما نیازهای امروز جامعه ایرانی حاضر برای سیاست خارجه کشور فرقی یافته‌اند، چیست؟ اگر هست، چیست؟

فکر می‌کنم بهتر است برویم سراغ همان موضوع چون من فکر نمی‌کنم سیاست خارجی ایران متنزغ از سیاست داخلی ایران باشد. یک کلیت است. معلوم است که سیاست خارجی ایران را به شکل موجودش نباید نمی‌کنم. اما به این شکل وارد گفت‌وگو انتقادی‌شان آن هم نمی‌شود که این سیاست خارجی را کنار بگذاریم و برویم با دنیا سازش بکنیم و برویم اسرائیل را در رسمیت بشناسیم... حالا شاید اصلا در موقعیتی نیانم که اینها را بگویم... ادامه دارد ...



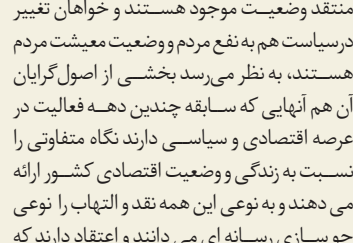
تغییر بکرم اعداد سه متهم آبان ۹۸

حکم سه بازداشتی آبان ۹۸ که از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شده بود، تغییر کرد.
سید بابک پاک‌نیا و کیسل مدافع امیرحسین مرادی در توتینوت نوشت: «حکم پرونده امیرحسین مرادی، سعید تمجدیدی و محمود رجعی از سوی شعبه هم‌عرض (شعبه ۲۳ دادگاه انقلاب) صادر و به وکلا ابلاغ شد؛ پنج سال حبس تعزیری؛ که البته قابل تجدیدنظر خواهی است. با توجه به میزان حبسی که تاکنون تحمل کرده‌اند، عملا مشمول آزادی مشروط خواهند شد.»



مردم اضطراب ندارند!

در حالی که وضعیت اقتصادی در ایران طی یک سال اخیر مملوب نبوده و مردم به شکل‌های مختلف اعتراض خود را به مشکلات معیشتی اعلام کرد‌اند و بسیاری از تحلیلگران از هر دو جریان منتقد وضعیت موجود هستند و خواهان تغییر درسیاست هم‌به نفع مردم وضعیت معیشت مردم هستند، به نظر می‌رسد بخشی از اصول‌گرایان آن هم آشنایی که سابقه چندین‌هه فعالیت در عرصه اقتصادی و سیاسی دارند نگاه متفاوتی را نسبت به زندگی وضعیت اقتصادی کشور ارائه می‌دهند و به نوعی این همه نقد و انتقاد را نوعی جو‌ساز‌ی رسانه‌ای می‌دانند و اعتقاد دارند که مردم هیچ مشکل اقتصادی‌ای ندارند. در تایید وجود این نگاه در میان بخشی از اصولگرایان مشکلات اقتصادی را نشان داده است.
سیاسی در توتینوت نوشته است: «در گفت‌وگویی که اخیرا با یکی از بزرگان مؤلفه داشتم از او پرسیدم نظراتش درباره این اضطراب و التهایی که در مردم به خاطر وضعیت معیشتی آنها موجود آمده چیست؟ پاسخ داد: مردم هیچ اضطرابی ندارند. خانه‌هاشان چندین میلیارد قیمت پیدا کرده...»



تدوین سند «هوش مصنوعی» در حوزه‌های علمیه

علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه‌قم در دیدار اعضای ستاد راهبردی فناوری‌های هوشمند حوزه‌های علمیه و مدیران کلان‌پروژه هوش‌مصنوعی و علوم‌اسلامی از تدوین سند هوش مصنوعی برای حوزه‌های علمیه خبر داد و گفت: «شابسته است حوزه‌های علمیه در خرید و نقد سندهای راهبردی کشور که با موضوع هوش‌مصنوعی تدوین می‌شوند حضور مؤثر داشته باشند و علاوه بر آن سند هوش‌مصنوعی برای چنین چگونگی‌ها باید به سمت جامعه‌ای کاربست هوش‌مصنوعی شکل بگیرد و برای راستا تربیت نیروی‌باید از افراد عالم و صاحب‌نظران آشنا به علوم دیگر باشد و همچنین عملکرد ما در حوزه‌های به‌گونه‌ای باشد که آنگنان که تحولاتی که در حوزه رقم می‌خورد افتخار کنند.»

^[1] گفت‌وگو با کاشی

^[2] گفت‌وگو با کاشی

^[3] گفت‌وگو با کاشی